

کلمه پایانی:

در روایات می توان به برخی از روایات اشاره کرد که به طور مطلق از آلات لهو منع کرده است. در این میان علاوه بر روایت سکونی که آوردیم می توان به روایت قطب رواندی نیز اشاره کرد:

«الْقُطْبُ الرَّأْوَنْدِيُّ فِي لُبِّ اللَّبَّاسِ، عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الدَّفَّ وَ الْكُوبَةَ وَ الْمَزَامِيرَ وَ مَا يُلْعَبُ

به»^۱

در این باره می توان گفت:

اولاً: اگرچه ممکن است گفته شود نهی به طور مطلق است و لذا هم بیع را شامل می شود و هم استعمالات دیگر را. ولی می توان مدعی شد که ظهور این جمله در حرمت استعمال است.

ثانیاً: اگر هم اطلاق این روایات مورد تأکید قرار گیرد می توان مدعی انصراف آنها به جایی شد که استعمال و بیع آنها در منافع حرام است.

بحث: ظروف طلا و نقره

مرحوم شیخ ظروف طلا و نقره را سومین مصداق از قسم اول از نوع دوم مکاسب محرمه بر می شمارد (ما لا يقصد من وجوده على نحو الخاص الا الحرام). ایشان می نویسد:

«و منها: أواني الذهب و الفضة إذا قلنا بتحريم اقتنائها و قصد المعاوضة على مجموع الهيئة و المادة، لا المادة

فقط»^۲

توضیح:

۱. اگر نگهداری این ظروف (همانطور که استعمال آنها حرام است) حرام باشد. و اگر معامله روی هیأت + ماده رفته باشد، معامله حرام است.
۲. ولی اگر نگهداری حرام نبود و یا معامله روی ماده رفت، معامله صحیح است (چراکه شیء دارای منافع حلال می شود)

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۳، ص: ۲۱۸

۲. کتاب المكاسب (للشيخ الأنصاري، ط - الحديثة)؛ ج ۱، ص: ۱۱۸



ما می‌گوییم:

(۱) مرحوم شیخ دلیلی بر حرمت معامله (در فرض مورد نظر) ارائه نکرده‌اند و روشن است که دلیل اصلی (حکم عقل به تحریم و فساد معامله‌ای که باعث تقویت عبادت غیر خدا یا ترویج فساد می‌شود) در اینجا جاری نیست.

(۲) بار دیگر تذکر می‌دهیم که نوع دوم از انواع مکاسب محرمه، به چند قسم تقسیم می‌شود. قسم اول آن بود که به طور معمول از مبیع جز منافع حرام قصد نمی‌شود و سخن در تحریم این معامله بود حتی اگر متعاملین قصد حرام نداشته باشند اما اگر مبیع هم دارای منافع حلال باشد و هم منافع حرام و در عین حال متعاملین منافع حرام را قصد کنند، این فرض قسم دوم است که در آینده آن را بررسی می‌کنیم.

(۳) ادله حرمت چنانکه خواهیم آورد - معمولاً مربوط به لفظ «آئیه» است و بعضاً حکم بر عنوان دیگر (صحفه) هم قرار گرفته است. طبیعی است که بحث متوقف بر شناخت معنای این واژه است.





معنای آنیه :

معمول لغویون، آنیه را به معنای ظرف دانسته اند.^۱ و برخی آن را «وعاء» معرفی کرده اند.^۲ و برخی بدون معنی کردن فقط نوشته اند: معروف^۳. هم چنین برخی نیز آن را به «ما یوضع فیه الشیء» تفسیر کرده اند.^۴ چنانکه برخی اصلاً آن را معنی نکرده اند.^۵ در حالیکه از آن نام برده اند. (ظاهر به این جهت که معنی را مصروف و واضح می دانسته اند)

دهخدا در ذیل این لغت غیر از اینکه به «ظرف» و «وعاء» اشاره می کند، از بقیه کتابهای لغت هر معنایی را که مورد اشاره قرار می دهد، پیوند با «آب» دارد. وی سیبوی، جای آب، آب دان، آب خوری و ... را به عنوان معنای «اناء» معرفی می کند.

همین ارتباط با آب در برخی از کتاب های لغت نیز موجود است.^۶ این در حالی است که جمهرة اللغه اناء و آنیه را به «الذی یجعل فیه الطعام و غیره» معنی کرده است.^۷

برخی تفسیر آنیه به «وعاء» و «ما یوضع فیه الشیء» را تفسیر به اعم دانسته اند و بر این مطلب استدلال کرده اند به روایت منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام که در آن می فرماید:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّعْوِيدِ يُعَلَّقُ عَلَى الْحَائِضِ فَقَالَ نَعَمْ - إِذَا كَانَ فِي جِلْدٍ أَوْ فِضَّةٍ أَوْ قَصَبَةٍ حَدِيدٍ.»^۸

البته روشن است که این استدلال مبتنی بر آن است که روایت مخصص حرمت استعمال ذهب و فضه به عنوان جلد تعویذ نباشد.

۱. معجم مقایس اللغة، ج ۱ ص ۱۴۳

۲. المصباح المنیر، ج ۱ ص ۱۵۷

۳. لسان العرب، ج ۱ ص ۲۵۰ / الصحاح، ج ۴ ص ۲۲۷۴ / تاج العروس، ج ۱۹ ص ۱۷۲ / شمس العلوم، ج ۱ ص ۳۳۷ /

مجمع البحرین، ج ۱ ص ۱۲۷ / کتاب الماء، ج ۱ ص ۷۳

۴. مفردات، ج ۱ ص ۹۶

۵. قاموس المحيط، ج ۴ ص ۴۳۵

۶. مقدمه الادب، ص ۲۹ / المغرب، ج ۱ ص ۴۷

۷. جمهرة اللغه، ج ۱ ص ۲۵۰

۸. وسائل الشیعة؛ ج ۳، ص: ۵۱۱

مرحوم خوبی درباره معنی آنیه نوشته است:

«مفهوم الإناء أمر معلوم لكونه من المفاهيم العرفية، و هو ما يكون معدا للأكل و الشرب، جمعه أنية و أوان، و

الظرف أعم منه.»^۱

ما می گوئیم:

با توجه به آنچه از عبارات لغویون درباره معنای آنیه خواندیم می توان گفت آنیه به معنای ظروف غذا خوردن و آب آشامیدن است و بعید نیست که بتوان آن را توسعه داد و شامل لوازم مقدماتی آن هم (مثل دیگ و دیس و سماور و قوری) گرداند ولی توسعه آن به لوازم دیگر مثلاً سفره یا ابریق شستشو مشکل است.

اما نکته مهم آن است که بدانیم آنچه مورد تحریم واقع شده است، آیا آب خوردن و غذا خوردن از این ظروف است و یا هر نوع استعمال آنها حرام است و یا نوع دیگری از حکم در آن جاری است:

به عبارت دیگر:

«إنما الإشكال فی أن المحرم هل هو اتخاذ الإناء منهما مطلقا و لو للاقتناء فیجب كسره و إتلاف هیئته كما فی

هیاكل العبادة، أو خصوص الانتفاع بإنائهما و لو للتزین و الوضع علی الرفوف لذلك مثلا، أو خصوص استعمالهما

فی الحاجات الیومیة أو فی خصوص الأكل و الشرب، أو فی خصوص الشرب فقط كما نسب إلی داود؟ فی

المسألة وجوه بل أقوال.»^۲

توضیح:

۱. الف) هر نوع نگهداری این ظروف حرام است و لذا باید این ظروف را شکاند.
۲. ب) انتفاع از آنها حرام است (حتی برای تزئین) [پس نگهداری بدون انتفاع جایز است]
۳. ج) استعمال آنها در حاجات یومیه حرام است.
۴. د) استعمال آنها در اکل و شرب حرام است.
۵. هـ) استعمال آنها فقط در شرب حرام است.

۱. مصباح الفقاهة (المکاسب)؛ ج ۱، ص: ۱۵۶

۲. دراسات فی المکاسب المحرمة؛ ج ۲، ص: ۲۰۴

